

بررسی مختصات فکری و رفتاری مخالفان تقریب



هشتم آبان 1401، نشست تخصصی جریان‌شناسی مخالفان تعامل و تقریب میان پیروان مذاهب اسلامی، با حضور حجت‌الاسلام والمسلمین مجید شاکر سلماسی؛ پژوهشگر حوزه تقریب مذاهب اسلامی و حجت‌الاسلام والمسلمین مهدی مسائلی؛ مدرس حوزه و دانشگاه در دانشگاه مذاهب اسلامی برگزار شد.

در ادامه گزیده سخنان مهدی مسائلی که بیانگر نگاه ایشان به مقوله مخالفان تقریب مذاهب است را می‌خوانید:

من موضوع بررسی مختصات فکری و رفتاری مخالفان تقریب را از خود بحث تقریب آغاز می‌کنم. خیلی از جریان‌هایی که به عنوان مخالف تقریب می‌شناسیم با عنوان تقریب مشکل ندارند ولی مخالفتشان در بعد عملی وحدت اسلامی است. یک جهت دیگر مخالفتشان با تقریب نیز ناظر به مخالفت نظری‌شان با معنای صحیح وحدت است. به عبارت دیگر اینها از یک جهت موافق وحدت اسلامی هستند و آن جهت این است که خودشان تنها مذهب جهان اسلام باشند و سایر مذاهب به سمت آنها بیایند. در حقیقت این افراد وحدت اسلامی را به وحدت مذهبی تفسیر می‌کنند. مثلاً برخی جریان‌ات شیعه معتقدند باید تمام پیروان مذاهب شیعه شوند و

اهل بیت(ع) محور وحدت باشند. ما نیز معتقدیم اهل بیت(ع) محور وحدت باشند ولی تلقی آنها از اینکه اهل بیت(ع) محور وحدت باشند این است که تمام مسلمانان شیعه شوند. این تلقی در اندیشه همه مخالفان تقریب چه شیعه و چه سنی وجود دارد. اگر این نگرش را در نظر بگیریم، داعش وحدت‌گراترین جریان است چون حتی مرزهای جغرافیایی را هم برداشته است.

این افراد وحدت را با حذف اختلافات دنبال می‌کنند در حالی که وحدت اصیل با در نظر گرفتن اختلافات و با رسمیت یافتن اختلافات مذهبی است. جریان‌های مخالف تقریب، با تقریبی‌سازی دارند که در آن اختلافی وجود نداشته باشد و همه به سمت آنها بیایند و تفکر آنها را به عنوان تنها تفکر جهان اسلام بشناسند. نگاه اینها نگاه انحصارگرایانه به دین اسلام است و اسلام را فقط برای خودشان در نظر می‌گیرند و می‌گویند اگر کسی به مذهب ما معتقد نباشد مسلمان نیست و خودشان را مرز اسلام و کفر قرار می‌دهند، از این جهت به مباحث تکفیری دامن می‌زنند و کفر را در فرهنگ خودشان نهادینه می‌کنند. این انحصارگرایی به ابعاد فرقه‌ای هم دامن می‌زند، یعنی شما سعی می‌کنی سایر مسلمانان را فرقه‌های جدا شده از اسلام تعریف کنی. پس نکته اول این بود که آنها وحدت متفاوتی در نظر دارند. نکته دوم اینکه انحصارگرایی به فرقه‌سازی دامن می‌زند.

در همین مسیر یک مولفه فکری توسعه، فرهنگ مجادله دینی است. در واقع این افراد به گفت‌وگوی فرقه‌ای دامن می‌زنند که با گفت‌وگوی تقریبی متفاوت است. ما در گفت‌وگوی فرقه‌ای غلبه مذهبی و مجادله و منازعه را می‌بینیم. این مجادله برای چیست؟ برای غلبه مذهبی و غلبه عنوان تفکر یک گروه بر سایرین. وقتی چنین هدفی داشته باشیم و جنبه گفت‌وگوی قرآنی که هدفش هدایت است را در نظر نگیریم، از جهت محتوا و از جهت غالب و صورت گفت‌وگو تغییر زیادی ایجاد می‌شود. گفت‌وگوی فرقه‌ای اساسش بر بن‌بست‌ها و اختلافات است و از اشتراکات صحبت نمی‌شود. آنقدر به اختلافات دامن می‌زنند که اشتراکات در نظر گرفته نمی‌شود و از بین می‌روند. همچنین از اختلافات صحبت می‌کنند که بن‌بست‌های فکری است.

مرز جدال حسن و جدال احسن

این افراد نگاهشان این است؛ روی بحث شیعه و سنی و اختلاف تاریخی آنها صحبت کنند که این کار مواجهه مذهبی را شدت می‌دهد. مهمترین نقدی که به این جریان‌ها وارد است مخالفت عملی‌شان با تقریب و وحدت اسلامی است. ما می‌خواهیم تقریب و نزدیکی ایجاد کنیم ولی اینها مانع عملی ایجاد می‌کنند. چون هدف غلبه است غالب سخنان به سوی خشونت در گفتار و رفتار می‌رود.

قرآن جدال احسن را پیشنهاد می‌کند جدال احسن یعنی بهترین گفت‌وگو از نظر محتوا و صورت. قرآن حتی جدال حسن را نخواست، بلکه جدال احسن را خواسته است. حداقل چنین جدالی این است که به هم توهین و فحاشی نکنیم ولی قرآن حداکثرها را از ما خواسته است یعنی صحبت همدیگر را بشنویم و بر گفته‌های صحیح یکدیگر صحه بگذاریم.

یکی از گزاره‌های رفتاری جریان‌ات مخالف تقریب اخبارگرایی و ظاهرگرایی آنهاست. ما حدیث‌گرایی را نقطه انحراف نمی‌دانیم ولی وقتی افراطی شود و به اخباری‌گری بیانجامد موجب انحراف می‌شود و حتی ما را دچار تحجر می‌کند. تمام جریان‌اتی که مخالف تقریب هستند عموماً به اخباریون گرایش دارند و حتی به عنوان نواخباری شناخته می‌شوند و ظاهرگرایی آنها هم خیلی شدت دارد.

یکی دیگر از مولفه‌های این افراد عقل‌ستیزی و تحجر دینی است که در قالب مبارزه با علوم عقلی و عرفان نظری مشاهده می‌شود. در شیعه و سنی، جریان متقابل با وحدت اسلامی در این دو مولفه مشترک است، یعنی هم وهابیون به این قضیه ورود پیدا کردند و هم جریان‌ات ضد تقریبی که در شیعه هستند، فلسفه را تکفیر می‌کنند.

منبع: ای‌کنا